

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اثبات برتری حتی به قیمت تخریب پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)

استاد راهنما: حجت الاسلام پوریدخشان

نویسنده: امیر حسین حسن نژاد

آذر ۱۴۰۲

موسسه بیان معرفت

مقدمه

پیامبر اکرم حضرت محمد صلی الله علیه و آله نه تنها نزد مسلمان و مخصوصا نزد شیعه جایگاهی بسیار عظیم و با عظمت دارند بلکه نزد دیگر ادیان و نزد تمام عالم نیز شخصیتی بزرگ و دوست داشتنی دارند اما متاسفانه وقتی انسان در متون اهل تسنن تحقیقی میکند در میابد که آنها حاضرند برای بالا بردن و برتری خلفای غاصب خود هر کاری بکنند تا آنها را خوب جلوه داده و دارای جایگاه و منزلت نشان دهند و این تا جایی پیش می رود که بعضا برای اثبات برتری عمر دست به تخریب شخصیت والای رسول الله صلی الله علیه و آله میزنند که بسیار زیاد است اما سوالی پیش می آید که چگونه میشود وقتی خود شما حرمت رسول خدا را نگه نمی دارید توقع اینرا داشته باشید که دیگر ادیان و غیر آنان حرمت پیامبر را نگه دارند؟ در این مقاله پیرامون این مبحث صحبت خواهیم کرد امیدواریم که در رساندن و درک مطلب موفق باشیم

امیرحسین حسن نژاد_آبان ۱۴۰۲

چکیده

مکتب خلفا با آوردن موافقاتی همچون دستور عمر به حجاب بانوان پیامبر و دستور به پیامبر برای نماز نخواندن بر جنازه سرکرده منافقان و از این قبیل اکاذیب که به نظر خودشان خداوند هم بدنبال این اکاذیب ایات نازل کرده بدنبال آن هستند مقام خلفا را بالا ببرند و از نسبت دادن خوردن گوشت قربانی بت ها و ایستاده بول کردن پیامبر و ازین قبیل موارد دنبال این بودن که سرپوش بگذارند بر اعمال کثیف خلفا و مهم ترین هدفشان اطاعت مطلق مردم از خلفا بود اما این اعمال ممتب خلفا ضرر های جبران نشدنی به اسلام زدند دشمنان و منافقان و کفار سوء استفاده کردند ازین مطالب و مطالب نابجایی را به اسلام نسبت داده اند و مهم ترین ضرری که به اسلام وارد شد این بود که مردم از جانشینان واقعی پیامبر دور شدند و مکتب خلفا اسلام را به بیراهه برد به گونه ای که اهل بیت غریب ماندند و مسلمانان در ظاهر مسلمان اهل بیت پیامبر را شهید کردند

۱. فصل اول: وصف پیامبر در مکتب خلفا:

قرار است احادیثی مورد بررسی قرار دهیم که در تخریب جایگاه پیامبر تاثیر بسیار زیادی داشته اند مثلا صفاتی از پیامبر را بر اشخاص خاصی آورده اند که تا حدی امر را مشکل میسازد که مخاطب حاضر میشود کلام پیامبر را زمین گذاشته و حرف او را حجت قرار دهد برای نمونه سلسله احادیثی که بسیار مشهور هستند و موافقات عمر نام دارند که در صحاح و مسانیه و سنن پیدا کرد که مواردی از صحیح بخاری و کتب معتبر دیگر برای شما آماده شده است^۱

^۱ صحیح بخاری کتاب صلاه_ سنن ترمذی ج ۵ ص ۲۰۶_ سنن نسائی ج ۲ ص ۳۳۲

• موافقت عمر با پروردگار:

عمر می گوید: من با پروردگار در سه مسئله موافقت کردم

۱. به رسول خدا گفتم چه میشود ما مقام ابراهیم را جایگاه نماز قرار دهیم؟ سپس آیه (واتخذ من مقام ابراهیم مصلی) نازل شد.^۲

۲. به رسول خدا گفتم به زنان دستور بده به حجاب روند زیرا بدان و خوبان با آنان سخن می گویند سپس آیه حجاب نازل شد.^۳

۳. زنان رسول خدا به سبب رشک و غیرت علیه پیامبر اتفاق کردند من به آنها گفتم اگر پیامبر شما را طلاق دهد امید است که خداوند همسرانی بهتر از شما نصیبش کند پس آیه ای با همین مضمون آمد (عسی ربه ان یتلککن ان بید له ازواجاً خیراً منکن مسلمات مومنات)

۴. طیالسی در مسند خود از عمر می گوید که زمانی که آیات ۱۲-۱۴ سوره مومنون نازل شد و خلقت انسان را به تمامی توصیف کرد من گفتم (تبارک الله احسن الخالقین) پس همان موقع آیه ۱۴ با همین عبارت من کامل شد.^۴

ابن حجر در فتح الباری^۵ و عینی در عمده القاری^۶ چنین می آورند که در تفسیر موافقت باید گفت موافقت عمر با خداوند به معنای مشارکت و همکاری دو نفر در یک کار می باشد البته عمل به یکی از آن دو نسبت داده می شود که به آن دیگری هم وابسته است و آن دیگری مفعول فعل است و کلام عمر اینگونه است که پروردگار من در نظر و رای با من موافقت کرد و قرآن خویش را طبق رای من نازل ساخت.

• تعداد موافقات:

۱- ابوبکر بن عربی ۱۱ مورد آورده است^۷ ۲- ابن حجر ۱۵ مورد^۸

۳- سیوطی ۲۰ مورد^۹ ۴- عبد الله ابن عمر می گوید: هیچ حادثه ای اتفاق نیفتاد که مردم در مورد آن سخن بگویند و عمر هم در آن باره حرفی بزند مگر اینکه قرآن در آن مورد طبق گفته عمر نازل می شد^{۱۰}

^۲ سوره بقره آیه ۱۲۵

^۳ سوره احزاب آیه ۵۹

^۴ سوره تحریم آیه ۵

^۵ مسند طیالسی ج ۹ ص ۴۲

^۶ فتح الباری ج ۲ ص ۵۱

^۷ عمده القاری ج ۴ ص ۱۴۴

^۸ فتح الباری ج ۲ ص ۵۱

^۹ تاریخ الخلفاء ۱۲۲

^{۱۰} تاریخ ابن عساکر ج ۳ ص ۱-۸-۱۰

• متابعت قرآن از لفظ عمر

در میان موافقات مواردی است که گفته می‌شود قرآن از لفظ عمر متابعت کرده اولین مورد در رابطه با قبله مسلمین است که قبلا ذکر شد و دیگری در رابطه با اتفاق زنان پیامبر بر علیه پیامبر که قبلا ذکر شد و دیگری پس از اینکه ایه وصف انسان نازل شد و عمر گفت فتبارک الله احسن الخالقین که فوراً ایه با عبارت عمر تکمیل شد که قبلا ذکر کردیم

• یک نفر یهودی با عمر ملاقات کرد و گفت این جبرئیل که پیامبر از او یاد میکند دشمن ماست عمر در جواب گفت: من کان عدوا لله و ملائکته و رسله و جبرئیل و میکال فان الله عدوا للكافرين که فوراً عین همین عبارت به صورت ایه قرآن نازل شد^{۱۱}

• موافقت قرآن با رای عمر

داستان جایی جالبتر میشود که خداوند در قرآن دستور میدهد به پیامبر که از نظر عمر تبعیت کند

۱. عمر به پیامبر دستور میدهد که به زنان بگو حجاب کنند و فوراً آیه نازل میشود یا ایها النبی قل لاوزاجک و بناتک و نسا المومنین یرتین علیهن من جلابیهن ذلک ادنی ان یعرفن فلا یوذین و کان الله غفوراً رحیماً^{۱۲}

۲. و در مرگ عبد الله بن ابی از پیامبر خواستند بر او نماز بخواند و عمر میگوید من از جای برخاستم و در سینه پیامبر ایستادم و گفتم ای رسول خدا با وجود ظلم او به اسلام میخواهی بر او نماز بخوانی؟ که آیه نازل شد ولا تصل علی احد منهنم مات ابداء ولا تقم علی قبره انهم کفروا بالله و رسوله و ماتوا وهم فاسقون^{۱۳}

تا اینجا دو نتیجه قابل درک می‌گردد ۱- مقام عمر انقدر بالا رفته که خدا در بعضی موارد از لفظ و نظر او در قرآن متابعت میکند و ایه نازل میکند ۲- منزلت پیامبر پایین تر از افکار و گفتار عمر است

احادیث فضایل

نتیجه ای که در صفحه قبل گفتیم در این روایات نمایان می‌شود

۱. ابوذر گفت خداوند حق را بر زبان عمر قرار داده و او سخن برحق میگوید و در برخی کتب آمده خداوند حق را بر زبان و قلب عمر قرار داده است^{۱۴}

۲. به دروغ از امیرالمومنین علی علیه السلام آورده اند که خداوند حق را و ایمان را بر زبان عمر قرار داده

^{۱۱} سوره بقره آیه ۹۸

^{۱۲} سوره احزاب آیه ۵۹

^{۱۳} سوره توبه آیه ۸۴

^{۱۴} تاریخ دمشق ج ۳ ص ۷-۸-۹

۳. عبد الله بن عمر می گوید حق بر زبان عمر جاریست

۴. صحیح بخاری و صحیح مسلم و سنن ترمذی و مسند احمد و مسند طیالسی بسیار این چنین روایات آورده اند^{۱۵}

۵. صحیح بخاری حدیثی از پیامبر اکرم میاورد

لقد کان فی ما مضی قبلکم من الامم محدثون و ان کان فی امتی هذه منہم فانه عمر

در امت های قبل از شما مردمانی بودند که فرشتگان با آنان سخن می گفتند اگر در میان امت من کسی با این خصوصیات باشد عمر است^{۱۶}

۶. عبد الله بن عمر می گوید مردم در مورد چیزی سخن نگفتند که عمر در باره آن حرفی بزند مگر این که قرآن به همان شکل که عمر سخن گفته بود فرود آمد^{۱۷}

۷. از مجاهد مفسر قرآن اهل سنت آمده هرگاه عمر نظر و رأی میداد قرآن بر طبق آن نازل میشد

۸. از امام علی به کذب آورده اند در قرآن نظر و رای عمر آمده است^{۱۸}

۹. از بلال به دروغ روایتی آورده اند که رسول خدا فرمود اگر من در میان شما به رسالت برانگیخته نمیشد عمر برانگیخته میشد^{۱۹}

۱۰. عقبه ابن عامر از رسول خدا می گوید اگر بعد از من پیامبری بود قطعا عمر بود^{۲۰} عبد الله بن عمر هم چنین روایتی آورده است^{۲۱}

• **احادیثی که شخصیت پیامبر را پایین می آورد:** از جمله این احادیث روایتی از پیامبر آورده اند که افتاب بر کسی بهتر از عمر طلوع نکرده است که نتیجه این روایت این است عمر از همه پیامبر و پیامبر خاتم بهتر بوده است^{۲۲}

• **پیامبر ایستاده بول میگرد:** از عمر و مغیره آمده است که پیامبر به زباله دان فلان قبیله رفت و ایستاده بول کرد و پاهای خود را در این حال از یکدیگر دور نگه می داشت^{۲۳} و در جایی دیگر آمده عمر میگوید من میخواستم دور شوم اما پیامبر در حالی که ایستاده بول میگرد به من گفت نزدیک شو و من پشت سر ایشان ایستادم^{۲۴}

^{۱۵} صحیح بخاری ج ۴ ص ۱۷۴، صحیح مسلم ج ۷ ص ۱۱۵، سنن ترمذی ج ۵ ص ۶۲۲، مسند احمد ج ۲ ص ۳۳۹، مسند طیالسی ص ۳۳۴۸،

^{۱۶} صحیح بخاری ج ۴ ص ۱۲۴

^{۱۷} تاریخ دمشق ج ۱۳ ص ۸-۱۰.

^{۱۸} تاریخ خلفا ص ۱۲۲،

^{۱۹} تاریخ دمشق ج ۱۳ ص ۱۱

^{۲۰} تاریخ دمشق ج ۱۳ ص ۱۰-۱۱

^{۲۱} تاریخ دمشق ص ۱۱

^{۲۲} تاریخ دمشق ج ۱۳ ص ۱۱، سنن ترمذی باب مناقب عمر

^{۲۳} مسند احمد حنبل ج ۳ ص ۲۴۶، صحیح بخاری ج ۱ ص ۳۷

^{۲۴} همان

• **پیامبر گوشت قربانی بت می خورد:** عبد الله بن عمر می گوید رسول خدا در پایین منطقه بلدح با زید بن عمر بن نفیل ملاقات کرد و این در زمانی بود که هنوز بر آن حضرت وحی نازل نشده بود و پیامبر به بعثت نرسیده بود در این هنگام پیامبر سفره ای از خوراک گوشت بگسترد و به زید تعارف کرد تا با او هم غذا شود زید از خوردن آن امتناع ورزید و گفت من از آنچه برای بت ها ذبح میکند نمیخورم و جز از آنچه با نام خدا ذبح شده باشد نخواهم خورد^{۲۵}

در این حدیث دو نتیجه است: ۱- منزلت زید از پیامبر بالاتر بوده ۲- منزلت پیامبر پایین تر از زید پایین تر بوده اما با بررسی روایان متوجه میشویم عبد الله بن عمر بعد از بعثت بدنیا آمده پس نمی تواند قبل از بعثت را روایت کند و زید بن عمر بن نفیل پسر عموی عمر قبل از بعثت وفات کرده است

• شکستن شخصیت پدران پیامبر

• برخی از روایات مکتب خلفا در پی تخریب شخصیت پدران پیامبر است که مسلم از انس بن مالک میگوید: مردی به رسول خدا گفت پدرم که از دنیا رفت الان کجاست پیامبر فوراً گفت در آتش است آن شخص کمی دور شد رسول گفت پدرم و پدرت هردو در آتش هستند^{۲۶}

• از عرباض بن سلیم روایت شده یک روز که پیامبر خدا در میان ما ایستاده بود و ما را نصیحتی سنگین کرد و ما را گریه انداخت و ما گفتیم ما را نصیحتی کن پس رسول گفت بر شما باد بر تقوا و مراقبت خداوند و شنیدن و اطاعت کردن از ولی اگر چه فرمانروای شما بنده ای حبشی باشد و بر شما باد اطاعت از خلفا راشدین^{۲۷}

بررسی آنچه گذشت

• بررسی موافقت در باره مقام ابراهیم

می گویند عمر به پیامبر گفت چه میشود قبله را به سمت مقام ابراهیم کنیم و فوراً خدا ایه به همین مضمون فرستاد خب باید گفت تنها در آیه درباره مقام ابراهیم صحبت نشده که بشود مطابقت کرد با موافقت عمر بلکه ایه از ساخت خانه کعبه در مرحله او توسط حضرت ابراهیم و اسماعیل سخن میگوید و سپس به مقام امامت رسیدن حضرت ابراهیم و بعد از آن از مقام ابراهیم سخن میگوید و صحبت در باره مقام ابراهیم در آیات ۵۶-۵۷ سوره آل عمران هم آمده است پس چون تنها بحث در رابطه با مقام ابراهیم نبوده نمیشود آیه بر موافقت با عمر صدق کند

• **موافقت درباره بانوان پیامبر:** موضوع در رابطه با کلام عمر به بانوان پیامبر که بر علیه پیامبر اتفاق

کرده بودند هست خب باید بگوییم از اول سوره تحریم تا ایه ۶ در رابطه با بانوان است و مفسران گفتند در رابطه با عایشه و حفصه است و ترجمه آیات در رابطه با بانوان رسول است تا انتهای آن که میرسیم به این جمله

^{۲۵} صحیح بخاری کتاب الذبائح ص ۷۳، مسند احمد حنبل ج ۱ ص ۱۸۹

^{۲۶} صحیح مسلم ج ۱ ص ۱۳۳

^{۲۷} ابن داوود ج ۴ ص ۲۰، ابن ماجه ج ۱ ص ۱۵-۱۶

که امید است نصیبش فرماید پس میبینیم تنها مبحث در رابطه با جمله عمر نیست تا موافقت از ان برداشت شود

• **موافقت در باره جمله فتبارک الله احسن الخالقین:** در رابطه با این مبحث هم باید از ایه ۱۶_۱۲ ترجمه را مورد بررسی قرار دهیم که میبینیم در رابطه با خلقت انسان است و صفات انسان را بیان میکند پس باز هم در میابیم بحث فقط جمله فتبارک الله احسن الخالقین نیست که بشود برداشت شود موافقتی موجود بوده است

• بررسی موافقات با ملاحظه روایات

درباره حجاب بانوان پیامبر

ایه در رابطه با بانوان است که به حجاب روند و به هوسرانان میگوید اگر ترک این کار نکنند یا قتل یا نفی بلد سرنوشتشان هست پس برای درک بهتر باید به روایات رجوع کنیم

از ابن عباس و انس ابن مالک و محمد بن کعب روایاتی آمده که: پیامبر در اوایل آمدن به مدینه خانه نداشت و در خانه غیر استراحت میکرد پس زنان شب برای قضای حاجت خروج می کردند و جوانان زنان بدون

چادر که نشان از حجاب کنیز بود را اذیت میکردند و در تکمله روایت

آمده که جوانی بود به زنان تعرض میکرد و از او بازخواست میشد میگفت چون چادر نداشت گمان بردم کنیز است و از عایشه و ام سلمه هم آمده که بعد از آمدن ایه تمام زنان مومن حجاب میکردند پس در میابیم ایه برای زنان پیامبر تنها نیامده که موافقتی در کار باشد

رشک بودن بانوان پیامبر

بسیاری از منابع اهل سنت معتقدند که مراد از این بانوان عایشه و حفصه بوده اند تا جایی که ابن عباس نقل میکند روزی از ان دو زن که برایشان ایه نازل شده بود از عمر پرسیدم و او جواب داد ان دو عایشه و حفصه بودند خب با توجه به این که دو نفر خاص مد نظر آیه بوده اند پس در میابیم موافقتی هم موجود نبوده است^{۲۸}

حرمت شراب

از عمر آمده زمانی که حکم حرمت شراب آمد او از خدا خواست ایه ای برای حرمت شراب نازل شود خدا ایه ۲۱۹ سوره بقره نازل کرد و عمر گفت خدایا ایه ای روشن نازل کن پس ایه ۴۳ سوره نسا را نازل کرد اما او مجدد درخواست ایه ای روشن کرد تا ایه ۹۱ سوره مائده نازل شد و او گفت بار الها بس است بس است^{۲۹}

اما در رابطه با این مطلب طبری تفصیلی آورده که ابوالقصوص آورده خداوند ۳ ایه در رابطه با شراب نازل کرد ۱- ایه ۴۳ نساء ولی هنوزم بعضا شراب میخوردند و به نماز می آمدند ۲- ایه ۲۱۹ بقره هنوزم شراب مینوشیدند اما به نماز نمی ایستادند تا روزی که مردی در حالت مستی برای کفار در نماز دعا کرد ۳- ایه ۹۰-۹۱ سوره مائده نازل شد رسول خدا برای مواخذه شخص آمد اما او وعده توبه داد و بخشیده شد طبری و قرطبی و حاکم نیشابوری این مطلب را آورده اند خب حالا این موافقت هم رد شد از منابع خود اهل تسنن^{۳۰}

ایستاده بول کردن رسول اکرم

در رابطه با این مبحث که عمر مطرح کرده باید برخی مسائل را بررسی کنیم

- عایشه میگوید هرکس ایستاده بول کردن را به رسول اکرم نسبت دهد کاذب است و هیچگاه رسول اکرم جز نشسته بول نکرد^{۳۱}
 - مغیره بن شعبه میگوید پیامبر اکرم برای غذای حاجت از همه دوری میکرد^{۳۲} عبدالله بن ابی قراد هم همین مطلب را آورده^{۳۳}
 - روایتی ابو موسی آورده که پیامبر فرمودند برای ادرار محل مناسب پیدا کنید^{۳۴}
- اما داستان جایی جذاب میشود که روایاتی در رابطه با ایستاده بول کردن عمر بیاوریم
- عمر میگوید در حال ایستاده بول میکرد رسول خدا رسید و مرا نهی شدید کرد و از آن به بعد من این کار را نکردم^{۳۵}
 - ابن میمون نقل میکند عبد الله بن عمر را بارها در حالی که ایستاده بول میکرد دیدم^{۳۶}
 - عمر میگوید ایستاده بول کردن بهترین پوشش برای پشت است^{۳۷}

^{۲۹} سنن ابی داوود کتاب الاشریه ج ۳ ص ۳۲۵

^{۳۰} تفسیر قرطبی ج ۵ ص ۲۰۰- تفسیر طبری ج ۲ ص ۲۱۱

^{۳۱} سنن نسائی ج ۱ ص ۲۶

^{۳۲} سنن نسائی ج ۱ ص ۱۷-۱۸

^{۳۳} سنن نسائی باب ایعاد الحاجه

^{۳۴} مسند احمد حنبل ج ۴ ص ۳۹۶

^{۳۵} سنن ابن ماجه ج ۱ ص ۱۱۲

^{۳۶} موطأ مالک باب طهارت

^{۳۷} فتح الباری ج ۱ ص ۴۴۳

حال مخاطب خود باید برداشت کند چرا روایاتی از عمر در رابطه با ایستاده بول کردن رسول اکرم آمده به نظر عاقل
علتی جز سفید کردن پرورنده سیاه عمر نیست حتی به قیمت تخریب رسول اکرم

خوردن گوشت قربانی بت ها توسط پیامبر

- امام علی میفرماید: خداوند فرشته ای را از کودکی همراه پیامبر قرار داد تا مراقب ایشان باشد و او را به مکارم و بهترین عادات و رسوم اخلاقی جهان رهنمون سازد و امام باقر ادامه میدهند که آن فرشته بهترین فرشته در بین فرشتگان همراه پیامبران است^{۳۸}
- امام صادق ما را از وصیت پیامبر به امام علی آگاه میکند که ایشان فرمودند یا علی پدرم و جدم و پدرانم هرگز بت را سجده نکرده و نپرستیده و از هیچ مال آنها استفاده نکرده و از گوشت قربانی آنها هم تناول نکرده اند اصغ بن نباته هم همین مطلب را آورده^{۳۹}

احادیث لعن پیامبر بر مسلمان

بسیار آمده که پیامبر مسلمانان نفرین میکرد اما وقتی در باره این کار از ایشان سوال شد فرمودند من هم مانند دیگران خوشحال و غمگین میشوم اما با خدای خود عهد کردم اگر نفرین من به حق نبود نفرین مرا سبب رحمت و نزدیکی به خودت قرار بده و در جای دیگر آمده ایشان فرمودند اگر کسی را از مردم ناسزا گفتم تازیانه زدم یا نفرین کردم خدایا نفرین مرا برای او رحمت قرار بده.

اقرار پیامبر بر عدم آگاهی از امور دنیوی

در مکتب خلفا آمده سالی رسول خدا مردم را از گرد پاشی بر نخل های ماده نهی کردند همان سال محصولات را افت زد ایشان علت را جویا شدند و مردم پاسخ دادند خودتان ما را ازین کار نهی کردید ایشان فرمودند شما مردم در امور دنیوی از من آگاه تریدش.

فراموشی پیامبر در نماز

روایت شده در مکتب خلفا پیامبر نماز مغرب و عشا را دورکعت خواند و تمام کرد مردم پرسیدند نماز کم شده یا فراموش کردی پیامبر فرمودند فراموش کردم و در ادامه پیامبر مابقی نماز را بامردم به جماعت خواند

^{۳۸} ارشاد الساری ج ۱ ص ۲۷۷

^{۳۹} کمال الدین و تمام النعمه ص ۱۰۴

نماز خواندن پیامبر در حال جنابت

در مکتب خلفا آمده صبحی پیامبر ایستاد تا نماز بخواند مردم به ناگاه دیدند ایشان گفت بایستید تا بیایم رفت و آمد در حالی که معلوم بود که غسل کرده و اب از او میچکد

روایاتی در رابطه با رسالت پیامبر

موارد زیادی است که به اختصار چند مورد ذکر میکنیم

- روزی پیامبر در نماز سوره را فراموش کرد مردی شروع کرد به خواندن آیات فراموش شده که رسول خدا فرمود رحمت خدا بر او که هرچه من فراموش کرده بودم او یاد او شد
- پیامبر در اولین مرحله دریافت وحی دچار شک و تردید شد که ورقه بن نوفل ایشان را اطمینان داد
- در افسانه غریق آورده اند رسول اکرم ملعبه دست شیطان شد
- موافقاتی را به عمر نسبت میدهند که تنها این را میرساند رسول در امور از عمر اطاعت میکرده همچون نماز بر عبدالله بن ابی یا نماز به سمت مقام ابراهیم

بینش خاص ناشی از این احادیث در مکتب خلفا

طبق احادیثی که از مکتب خلفا گفتیم نعوذ بالله پیامبر طبق روش اجدادش گوشت قربانی بت ها را میخورد و مردم اورانهای میکردند پیامبر در وحی و نبوت شک کرد یک مسیحی او را آگاه ساخت پیامبر ایستاده بول میکرد نماز و آیات را فراموش میکرد در حالت جنابت نماز میخواند و به مسجد می آمد و جنابت خویش را فراموش میکرد مومنان را لعن میکرد مردم را راهنمایی غلط میکرد بی غیرت بود آواز گوش میداد و هزاران مورد دیگر برای برتری خود و تخریب پیامبر در مکتب خلفا موجود است

علت انتشار چنین احادیثی در مکتب خلفا

مادی نگری و دنیا پرستی عامل اصلی انتشار چنین روایاتی است، خلفا برای اینکه مردم اعتراضی

در رابطه با اعمال بد آنها در جایگاه خلافت پیامبر نکنند حاضر بودند روایاتی بسازند تا پیامبر را نعوذ بالله فاسق نشان داده تا درپوشی بر اعمال قبیح آنها بگذارد اما متأسفانه دشمنان اسلام و پیامبر تکیه بر این احادیث پوچ و ساختگی کرده اند و این روایات چهره نیک اسلام و پیامبر را نزد جامعه بشری زشت کرده است

دیگر آثار احادیث جعلی در عقاید مسلمین

۱- این احادیث که تاکنون بیان شد ازین موارد بسیار در مکتب خلفا موجود هست و همین سبب شده تا پیامبر در مکتبشان جایگاه خاصی را دارا نباشد و بعضا ایشان را فقط در جایگاه نامه رسان میدانند

۲- این رفتار ذکر شده از رسول اکرم تاثیر بر مردم دارد زیرا مردم همیشه به دنبال الگو گرفتن هستند و چه کسی بهتر از نبی خدا اما با دریافت این روایات سبب میشود اولاً ایشان را به عنوان الگو انتخاب نکرده و ثانیاً با الگو قرار دادن خود را مختار بر هر عملی میدانند حتی فسق و شرک... و برای همین است در مکتب اهل بیت هرچه بیشتر تلاش شده تا چهره پاک و واقعی رسول اکرم شناسانده شود

نمونه هایی دیگر از اجتهادات عمر

علی ع میفرماید من به سربازان خود دستور دادم در رمضان فقط نمازهای واجب را جماعت بخوانید اما آنان ازین دستور من سرپیچی کردند و بدعت عمر را بجای آوردند تا حدی که از این دستور من نزدیک بود شورش شود
عمر سه طلاقه را رسم کرد او خمس را منع و کتابت حدیث را منع کرد او در عمره بدعت نهاد و عصمت صحابه را طرح کرد^{۴۱۴۰}

بزرگ نمایی مقام خلافت در برابر تحقیر مقام نبوت

امده روزی حجاج بالای منبر رفت و گفت اسمان ها و زمین به خاطر وجود خلیفه برپاست

- حجاج روی منبر گفت ایا فرستاده شما نزد شما ارزشمند تر است یا فرستاده دیگری پیامبر فرستاده خداست و خلیفه فرستاده شما
- ولید بن عبدالملک دستور داد چاهی در مکه حفر کنند اب چاه شیرین بود پس دستور داد تا اب انچاه را در کنار زمزم قرار دهند تا مردم بدانند خلیفه از نبی نزدیک تر به خداست
- ولید بن عبدالملک به حکومت رسید مروان بن محمد نامه ای نوشت و خلافت او را به جهانیان تبریک گفت
- در مجلس خلیفه مهدی عباسی گفته شد ولید بن یزید زندیق بوده او گفت مقام خلافت بالاتر از ان است که عمرش به زندیقی سپر شود

^{۴۰} مسند احمد حنبل ج ۵ ص ۲۸۲_۳۸۵_۳۹۹_۴۰۲

^{۴۱} سنن ترمذی ج ۵ ص ۳۶۶۹، سنن ابن ماجه ص ۳۷

داستان نهی عمر از عمره تمتع

امده عمر گفت تمتعان کانتا عهد رسول الله.....حکم دو تمتعه را که در زمان رسول خدا جاری بود را من نهی میکنم و هر کس انرا انجام دهد مجازات میکنم یکی عمره تمتع و دیگری ازدواج موقت مردم بعد از ان دیگر این کارها را انجام ندادند^{۴۲}

این امر تا زمان عثمان و امام علی بود تا امام علی این امر را برداشت اما بعد ایشان باز حاکمان این کار را انجام دادند عبدالله بن عباس بارها بزرگان را نهی از این دستور میکرد کسانی همچون عبد الله بن زبیر و عروه ابن زبیر^{۴۳} خب در میابیم احادیث موافقات کجا اثر کرده در حدی که مردم سنت رسول خدا را کنار گذاشته و به دستور عمر عمل میکردند

برداشتن شرط عدالت از مقام خلافت

در مکتب خلفا روایاتی آمده که خلافت را مشروط به عدالت نمیدانند

- صحیح مسلم آمده رسول خدا فرمود بعد از من امامانی خواهند آمد که راهی که من رفتم نمیروند و سنت من را عمل نخواهند کرد و دل شیطان درون ان هاست حذیفه میپرسد یا رسول الله تکلیف ما چیست ایشان میفرمایند اطاعت کن حتی اگر تورا تازیانه زد و مالت را گرفت^{۴۴}
- از زبان ابن عباس جعل کرده اند که رسول خدا فرمود هر کس از امامش چیزی دید که کراهت داشت صبر کند و اگر دوری از امام کرد نمیرد مگر به مرگ جاهلانه مرده^{۴۵}
- آمده هر کس از خلیفه اطاعت نکند بمیرد به مرگ جاهلانه مرده^{۴۶} از عبدالله بن عمر هم همین آمده
- نووی در شرح خودش آورده خلافت خلیفه حتی اگر فاسق هم باشد از بین نمیروند و قیام بر علیه او جایز نیست^{۴۷}
- برای استناد به گفتار خود مکتب خلفا به ایه ۵۹سوره نساء استناد میکنند

نتیجه بحث های گذشته

نتیجه مطالب گذشته و اکاذیب مکتب خلفا انجا نمایان میشود

^{۴۲} السنن الکبری ج ۷ ص ۲۰۶

^{۴۳} صحیح بخاری ج ۱ ص ۱۹۰

^{۴۴} صحیح مسلم ج ۶ ص ۲۱

^{۴۵} همان

^{۴۶} همان

^{۴۷} شرح نووی ج ۱۲ ص ۲۲۹

- حسین بن نمیر و حجاج به دستور خلیفه عبد الملک به خانه خدا با منجنیق حمله کردند و انرا آتش زدند و هرکس که آنها را نهی ازین کار میکرد آنها در جواب میگفتند حرمت خانه خدا با کلام خلیفه تعارض پیدا کرده پس کلام خلیفه مقدم است
- پس از پیروزی حجاج سر مسلمانان را برای خلیفه فرستاد و او به شکرانه پیروزی همچون حاجیان موهای خود را کوتاه کرد و هیچ کس به او را مذمتی بابت کشتار مسلمانان نکرد^{۴۸}
- با دستور یزید لشکرش به مدینه حمله کرد و به آنها دستور داد تا سه روز قتل و غارت مسلمانان را مباح دانسته و آنها غارت کردند مسلمانان را و به زنان تجاوز کرده واز آنان بیعت گرفته و مسلمانان را غلام زر خرید خلیفه قلمداد کردند و برانان مهر غلامی زدند در راه برگشت مسلم بن عقبه مریض شد و در حال موت با خدا این گونه گفت کشتار مردم مدینه بهترین راه اطاعت از رسول خدا و پیامبر و خلیفه بود
- از دیگر اثار مطالب گذشته میشود به این جنایت بزرگ تاریخ واقعه کربلا میشود اشاره کرد که لشکر یزید به فرزند رسول خدا حمله کردند خودش را شهید کردند به خانواده او فرزندان دختران و کودکان هم رحم نکردند عمرو بن حجاج که از سران لشکر یزید بود به لشکرش گفت اطاعت کنید از خلیفه و هرگز تردید نکنید در قتل کسی که از بیعت با خلیفه سرپیچی کرده است و کعب بن جابر میگوید پرودگارا ما به عهد خویش با خلیفه وفا کردیم مارا با کسانی که از خلیفه اطاعت نکردند یکسان نکن و درجایی دیگر آوردند که شمر بعد نماز صبح میگفت خدایا مرا بیامرز از او پرسیدند چطور توقع بخشش داری در حالی که به جنگ با فرزند رسول خدا میروی او گفت اگر ما از فرمان خلیفه سرپیچی کنیم از خران پست تریم^{۴۹}
- بعد از اینکه مکتب خلفا ایه اولوالامر را تطبیق بر خلافت خلفا داد اطاعت از خلیفه را اطاعت از خدا دانسته همین باعث شد تا خلفا سبب تغییر احکام اسلام شوند و کار به جایی رسید که اگر کلام خلفا متفاوت از اسلام بود مردم حرف خلیفه را قبول داشتند این درحالی بود که خلفا نه به مسلمانان رحم کردند نه به رسول خدا و نه خاندان اطهرش و بیشترین تاثیر گذاری در تغییر احکام اسلام را خلفای راشدین داشتند آنها با جعل احادیث مقام پیامبر را پایین آورده و مقام خلفا را بالا بردند و بیشترین سوء استفاده از اسلام را دشمنان بعد از حیات پیامبر ببرند که نمونه اش کتاب تکامل اعتقادات و احکام در اسلام نوشته اگناس گلد زهیر است

بزرگترین اثر مطالب گذشته

بزرگترین و اثر مطالب گذشته ترک رجوع به اهل بیت توسط مردم است مکتب خلفا بزرگترین خیانت را با تحریف روایات و جعل آنان به مسلمانان کردند مردم را از کسانی دور کردند که میفرمودند ما هرچه می گوئیم از رسول خدا است و از خود هیچ نظری نمیدهیم^{۵۰} آنهايي که روایت شده سلسله وار کلام خود را به رسول اکرم می‌رساندند^{۵۱} که اگر مسلمانان

^{۴۸} تاریخ طبری ج ۲ ص ۸۴۴-۸۴۵

^{۴۹} تاریخ الاسلام ج ۳ ص ۱۸-۱۹

^{۵۰} بصائر الدرجات

^{۵۱} کافی ج ۱ ص ۵۳

فقط رجوع به اهل بیت میکردند اسلام به مصائب این چنین گرفتار نمیشد مکتب خلفا کاری کرد که مردم حدیث ثقلین^{۵۲} را فراموش کردند یا به زور یا بافریب از اهل بیت دور شدند

نتیجه

با درک مطالب گذشته متوجه میشویم که قطعاً مکتب خلفا از طرح موافقات و بیان آن دنبال هدف خاصی هستند و آن هدف همانگونه که ذکر شد این است که فساد و اشتباهات خلفا را عادی جلوه دهند و برای رسیدن به این هدف همانگونه که دیدیم حاضرند حتی جایگاه پیامبر را تخریب کرده و پیامبر را هم نعوذ بالله فاسق نشان داده تا خلفا شرمی نسبت به خلاف هایشان نداشته باشند و دیگر هدفشان این است مردم را در هر مرحله ای مطیع خلیفه قرار دهند حتی اگر خلیفه فاسق ترین فرد روی زمین باشد و از دیگر اهدافشان دور کردن مردم از اهل بیت اطهر است که میشود گفت این مهم ترین هدفشان است اما فهمیدیم مکتب خلفا با این خیانتشان چه ضربه هایی به اسلام زدند آنها باعث شدند دشمنان و کفار سوء استفاده کنند از این موافقات و ضربه به اسلام بزنند و باعث شدند مردم از اهل بیت دور شوند و این مصائب شامل اسلام شود و اسلام را دو دسته کرده اند

منابع

۱. تاریخ الاسلام ج ۳ ص ۱۸-۱۹
۲. بصائر الدرجات
۳. کافی ج ۱ ص ۵۳
۴. صحیح مسلم باب فضائل صحابه ص ۳۶-۳۷ مسند احمد حنبل ج ۴ ص ۳۶۶
۵. تاریخ طبری ج ۲ ص ۸۴۴-۸۴۵
۶. السنن الکبری ج ۷ ص ۲۰۶
۷. شرح نووی ج ۱۲ ص ۲۲۹
۸. سنن ترمذی ج ۵ ص ۳۶۶۹، سنن ابن ماجه ص ۳۷
۹. کمال الدین و تمام النعمه ص ۱۰۴
۱۰. سنن نسائی ج ۱ ص ۱۷-۱۸
۱۱. سنن ابن ماجه ج ۱ ص ۱۱۲
۱۲. موطأ مالک باب طهارت
۱۳. ارشاد الساری ج ۱ ص ۲۷۷
۱۴. الدر المنثور سیوطی
۱۵. سنن ابی داوود کتاب الاشریه ج ۳ ص ۳۲۵

^{۵۲} صحیح مسلم باب فضائل صحابه ص ۳۶-۳۷ مسند احمد حنبل ج ۴ ص ۳۶۶

١٦. تفسير قرطبي ج٥ ص٢٠٠_ تفسير طبري ج٢ ص٢١١
١٧. سنن نسائي ج١ ص٢٦
١٨. تاريخ خلفا ص١٢٢,
١٩. تاريخ دمشق ج١٣ ص١١، سنن ترمذي باب مناقب عمر
٢٠. مسند احمد حنبل ج٣ ص٢٤٦، صحيح بخاري ج١ ص٣٧
٢١. صحيح بخاري كتاب الذبائح ص٧٣، مسند احمد حنبل ج١ ص١٨٩
٢٢. تاريخ دمشق ج٣ ص٧_٨_٩
٢٣. صحيح بخاري ج٤ ص١٧٤، صحيح مسلم ج٧ ص١١٥، سنن ترمذي ج٥ ص٦٢٢، مسند احمد ج٢ ص٣٣٩، مسند طيالسي ص٣٣٤٨،
٢٤. مسند طيالسي ج٩ ص٤٢
٢٥. فتح الباري ج٢ ص٥١
٢٦. عمده القاري ج٤ ص١٤٤
٢٧. تاريخ الخلفاء ص١٢٢
٢٨. تاريخ ابن عساكر ج٣ ص١_٨_١٠